

The function of General Principles of Law recognized in civilized nations in The jurisprudence of arbitrations tribunals

Seyed Bagher Mirabbasi¹, Seyedeh Zahra Saadati²

Abstract

Field and Aims: General Principles of Law recognized in civilized nations, as one of the main sources of international law, has played an important and effective role in international arbitration tribunals compared to other parts of international law. So far, no article has been done that independently examines the function of this source of international law.

Method: This research was done using descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: Applicable law, Protection of legal order, the basis for law making, interpreting the rules of international law, and a rule in international law are the functions of this main source of international law.

Keywords: General Principles of Law recognized in civilized nations, international arbitration, Applicable law, interpretation, law-making and legal order.

*Citation (APA): Mirabbasi, S., Saadati, Z. (2023). The function of General Principles of Law recognized in civilized nations in The jurisprudence of arbitrations tribunals. *International Legal Research*, 16(61), 23-46.

https://alr.ctb.iau.ir/article_707702.html?lang=en

1. Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mirabbassi@parsilo.com

2. Ph.D. student in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Author). Email: sszaadati@gmail.com



Introduction

General Principles of Law recognized in civilized nations, as one of the main source of international law, has played an important and effective role in international arbitration tribunals compared to other parts of international law. General Principles of Law recognized in civilized nations, are the main foundations and pillars of every legal system that have a rational origin and moral nature and have expressed in the form of rules (maxims). Good faith, Equity, principles of human rights, are the main manifestations of the general principles of law recognized in civilized nations, they belong to all legal systems, referring to the principles of domestic law is only used from the historical aspect and in terms of identifying these principles. Therefore, they are distinguished from the rules known as "principles of international law" or "general principles of international law" that are specific to the international community. In order to investigate and understand the function of general principles of Law recognized in civilized nations, it is necessary to study law with a holistic and systematic view. In this view, General Principles of Law recognized in civilized nations which act as a part of the system as a rule, also forms the main body of the system, in which all its components are in communication and harmony, surrounds the entire legal system and protect it. In such a way that a violation of these principles causes the imbalance or deviation of the legal system. Based on the characteristics of each system, the legal system is also able to breed and create new rules, and in cases where a new issue occurs, the legal system prevents the creation of legal gaps by applying the main rules of the system and this is how the legal system moves forward.

In this article, which is done with a holistic and systematic view of the legal system and by induction in awards of the international arbitration tribunal, that include Iran-US claims tribunals, ICSID and ad hoc arbitrations, the functions of General Principles of Law recognized in civilized nations, which include applicable law, protection of legal order, law -making, interpretation and a rule of general international law, will be perused.

Conclusion

General Principles of Law recognized in civilized nations, as the main source of international law, mentioned in article 38(1) (c) status of the International Court of Justice, has played an important role in all fields of international law, But in the procedure of international arbitrations, due to the wide range of courts and variety of issues, they have been used more. General Principles of Law recognized in civilized nations, as an applicable law, has always played an important role in many of transnational arbitrations. Also, as the main body of the legal system, they have always been responsible for protecting and controlling violations of the internal norms of the legal system. In such a way that the violation of these principles invalidates the norms or actions against them. In this way, the "general principles of law recognized in civilized nations" prevent any abuse of rights.

The main body of the legal system, which is the "general principles of law recognized in civilized nations", provides an inexhaustible reservoir for the legal system to create new rules and by interpreting the existing legal rules, it guarantees the dynamics of the legal system. In such a way that the legal system never faces a nonliquet. General Principles of Law recognized in civilized nations, along with the mentioned functions, they have always been used as one of the main rules of international law; rules that have a long history in all legal systems. Numerous cases of international proceedings, some of which are mentioned in this article, are a reason to prove this claim.



کارکرد «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی

سید باقر میرعباسی^۱، سیده زهرا سعادت^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل، در محاکم داوری بین‌المللی نقش مهم و اثرگذاری نسبت به سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل داشته است. محاکم داوری بین‌المللی در دعاوی مختلف به شیوه‌های گوناگون از این منبع حقوق بین‌الملل استفاده نموده‌اند. تاکنون مقاله‌ای که به طور مستقل به بررسی کارکرد این منبع حقوق بین‌الملل پردازد، انجام نشده است.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: قانون حاکم بر دعوا، محافظت از نظم حقوقی، مبنای ایجاد قاعده، ابزار تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل و نیز قاعده‌ای مستقل در حقوق بین‌الملل، کارکردهای مختلفی است که برای این منبع مهم حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن، قانون حاکم، تفسیر، ایجاد قاعده، نظم عمومی.

* استناددهی (APA): میرعباسی، سید باقر و سعادت، سیده زهرا. (۱۴۰۲). کارکرد «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» در رویه دیوان‌های داوری بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۶(۶۱)، ۴۶-۲۳.

https://alr.ctb.iau.ir/article_707702.html

۱. استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: mirabbassi@parsilo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: ssszaadati@gmail.com



مقدمه

«اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» که در ماده ۳۸(۱)ج) اساسنامه دیوان بین المللی به عنوان یکی از قواعد اصلی حقوق بین الملل ذکر شده است، در رویه دیوان های داوری بین المللی بیش از سایر بخش های حقوق بین الملل به کار گرفته شده است. «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» قواعد و بنیان و ستون های اصلی هر نظام حقوقی هستند که منشا عقلی دارند و ماهیت اخلاقی و به صورت دستور (ماکسیم) یا قاعده بیان می شوند. اصل حسن نیت، انصاف، اصول حقوق بشر و اصول دادرسی عادلانه از موارد «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» هستند، که متعلق به تمام نظام های حقوقی اند و اشاره به اصول حقوق داخلی تنها از جنبه تاریخی و از لحاظ شناسایی این اصول کاربرد دارد؛ بنابراین، از قواعدی که به نام «اصول حقوق بین الملل» یا «اصول کلی حقوق بین الملل» شناخته می شوند و اختصاص به جامعه بین المللی دارند، متمایز می شوند.

برای بررسی و شناخت کارکرد «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن»، لازم است با نگاهی کل گرایانه و سیستمی به مطالعه حقوق پرداخت.^۱ در این نگاه، «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» همزمان که خود به عنوان بخشی از سیستم به عنوان یک قاعده نیز عمل می کند، بدنه اصلی سیستمی را تشکیل می دهند که تمام اجزای آن در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر قرار دارند، بر کل نظام حقوقی احاطه دارند و از درون نظام حقوقی محافظت می کنند؛ به گونه ای که تخطی از این اصول باعث عدم تعادل و انحراف نظام حقوقی می شود. بر اساس ویژگی هر سیستم، سیستم حقوقی نیز قادر به زایایی و خلق قواعد جدید است که در مواردی که موضوع جدید رخ می دهد، نظام حقوقی با به کارگیری قواعد اصلی نظام مانع از ایجاد خلاء های حقوقی می شود و این گونه سیستم حقوقی را به پیش می برد.

در این مقاله که با نگاه کل گرایانه و سیستماتیک به نظام حقوقی و با استقرا در آرای حقوقی صادر شده از محاکم داوری بین المللی که شامل دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا، ایکسید و آرای داوری مهمی است که به صورت موردی در اختلافات قراردادهای توسعه صادر شده اند، انجام شده، کارکردهای «اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن» که شامل قانون حاکم، محافظت از نظم حقوقی، قاعده سازی، تفسیر و قاعده حقوق بین الملل عمومی می شود، بررسی خواهد شد.

۱. «سیستم مجموعه ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می دهند». بر این اساس، سیستم به اندازه کافی جامع است و کاربرد گسترده ای دارد و به اندازه کافی ژرف نگری دارد، به گونه ای که همه عناصر لازم برای تمیز و شناسایی سیستم ها را معرفی می کنند.

۱. قانون حاکم

یکی از موضوعات مهمی که در داوری‌های بین‌المللی مطرح می‌شود، قانون حاکم بر دعوای تحت رسیدگی است. از آنجا که طرفین اختلاف حقوقی، معمولاً نهاد فراملی داوری را انتخاب می‌کنند تا در محیطی خارج از کنترل نظام‌های داخلی به اختلافات آن‌ها با دقت و سرعت بیشتری رسیدگی شود، این نوع رسیدگی ایجاب می‌کند تا قانونی فراتر از قوانین ملی و حتی بین‌المللی بر اختلافات حقوقی آن‌ها حاکم باشد. منظور از «قانون حاکم» یا «قانون خاص قرارداد»، نظام حقوقی است که قرارداد در درون چارچوب آن به وجود می‌آید و اعتبار و نفوذ خود را از آن می‌گیرد، الفاظ و عبارات قرارداد برحسب آن تفسیر می‌شود، اجرای حقوق و ایفای تعهداتی که مضمون قرارداد را تشکیل می‌دهد، به موجب آن قانون صورت می‌گیرد (موحد، ۱۳۸۶: ۲۱).

قوانین حاکم از قضیه‌ای به قضیه دیگر متفاوت است. این تفاوت تابع موضوع و ماهیت هر دعوا و ویژگی طرفین آن است، زیرا طرفین دعوا ممکن است دو شخص خصوصی، یک شخص خصوصی و یک دولت و یا شرکت دولتی یا میان دو دولت مستقل باشد. این قوانین ماهوی می‌تواند قوانین داخلی کشوری خاص، اصول کلی حقوقی، حقوق بازرگانی فراملی^۱ و تا حدودی برخی ضوابط غیرحقوقی یا گاه ترکیبی از اینها باشد، که برحسب مورد در داوری‌های بازرگانی بین‌المللی قابل اجراست؛ اما در داوری بین‌الدولی، قانون ماهوی حاکم همیشه حقوق بین‌الملل اعم از قراردادی یا عرفی، اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن، عرف و رویه دولت‌ها، رویه قضایی بین‌المللی و عقاید جمعی علماست که همه این‌ها در بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌بینی شده است (مجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴).

اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن در تعریف و منابع حقوق فراملی یا همان لکس مرکوتریا نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و در بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و آرای داوری به عنوان قانون حاکم در نظر گرفته شده‌اند.^۲

با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده از حقوق فراملی و نیز با توجه به رویه داوری‌های بین‌المللی، از آنجا که اصول کلی حقوقی، مشترک میان نظام‌های حقوقی مختلف است و به هیچ نظام ویژه‌ای

1. lex mercatoria

۲. در تعریف مفهوم حقوق فراملی (لکس مرکوتریا)، گفته شده است: «یک نظام واقعی حقوقی متکی به نظامی مستقل از منابع و برخوردار از مکانیسم‌های ویژه جهت کنترل اعمال قواعد است، بنابراین چیزی بیش از چند قاعده حقوقی منفرد است.» (ویرالی، ۱۳۶۴: ۱۰۳)

گلدمن نیز حقوق فراملی را اینگونه تعریف نموده است: «حقوق فراملی بازرگانی، دست کم عبارت است از یک دسته اصول کلی حقوقی و قواعد عرفی خودرسته که در چهارچوب تجارت بین‌الملل، بدون مراجعه به هیچ نظام حقوق ملی خاص، به آن‌ها ارجاع شده و یا تکوین پیدا می‌کنند.» (گلدمن، ۱۹۸۷) به نقل از: (جنیدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

با این تعریف، حقوق فراملی نیروی الزام آور خود را لزوماً از قوه حاکمه و اراده دولت‌ها نمی‌گیرد، گرچه ممکن است مقامات دولتی یا بین‌دولتی در ساخت یا اجرای آن دخالت داشته باشند (جنیدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

اختصاص ندارد، بهتر از هر منبع دیگری توانایی منفک کردن رژیم حقوقی حاکم بر دعوا را از نظام‌های داخلی و در عین حال، وابستگی آن‌ها را به نظام حقوقی در کل، داراست؛ از این رو، همواره نقش مهمی در تعیین قانون حاکم بر دعوی بین‌المللی داشته است.

دیوان داوری ایران- ایالات متحده آمریکا در ماده ۵ بیانیه الجزایر قانون حاکم بر دعوی مطرحه در دیوان را تعیین کرده است. مطابق این ماده:

«هیأت داوری تصمیم‌گیری درباره تمام موارد را براساس احترام به قانون انجام خواهد داد و مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل را که قابل اعمال تشخیص دهد، به کار خواهد برد و در این مورد، کاربردهای عرف بازرگانی، مفاد قرارداد و تغییرات اوضاع و احوال را در نظر خواهد گرفت».

در جزء اول این ماده، مقرر شده است دیوان در روند اعمال قانون حاکم: الف) آن دسته از قواعد انتخاب قانون حاکم؛ ب) اصول حقوق تجارت؛ ج) و اصول حقوق بین‌الملل را که قابل اجرا تشخیص دهد، اعمال خواهد کرد. عبارت «با اعمال اصول حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل» بی‌کمترین شبهه‌ای، اشاره به یکی از منابع حقوق بین‌الملل، یعنی اصول کلی حقوقی [شناخته شده در ملل متمدن] دارد. دیوان داوری، بیش از هر منبع دیگری از این منبع به عنوان قانون حاکم استفاده کرده است (محبی، ۱۳۷۳: ۱۹-۱۸).

در موارد بسیاری، دیوان داوری ایران- ایالات متحده به صراحت به موضوع قانون حاکم بر دعوا پرداخته است و از اصول کلی حقوقی [شناخته شده در ملل متمدن] به عنوان قانون حاکم بر دعوا نام برده است؛ از جمله این موارد، دعوی کنسرسیوم است. در قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ میان ایران و شرکت نفت انگلستان، دو رشته از اصول را حاکم بر تفسیر و و تعبیر اجرای قرارداد دانسته بود: اول، «اصول» حقوقی مشترک میان ایران و کشورهایی که کمپانی‌های عضو کنسرسیوم در آن کشورها تأسیس شده‌اند. دوم، اصول کلی حقوقی مورد قبول کشورهای متمدن و نیز اصولی که دادگاه‌های بین‌المللی بر طبق آن‌ها عمل کرده باشند (موحد، ۱۳۷۶: ۵۰). در این پرونده، دیوان در خصوص قانون حاکم بر دعوا مقرر داشت:

«دیوان قانون حاکم بر قرارداد را در موضوعات تفسیری، قوانین ایران و در کلیه موضوعات دیگر اصول کلی حقوق تجارت و حقوق بین‌الملل می‌داند. به دلایل پیش گفته، قانون حاکم بر موضوع مسئولیت ایران و همچنین، مسئولیت شرکت نفت که به عنوان یک تشکیلات دولت ایران در این پرونده‌ها عمل کرده، حقوق بین‌الملل است» (موبیل اویل ایران اینکورپوریتد و سایرین (موسوم به کنسرسیوم) علیه ایران و شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۶۶: ۲۸۷).



در دعوی میان شیخ ابوظبی و شرکت انگلیسی توسعه نفتی،^۱ لرد اسکویث بای شاپستون در سال ۱۹۵۱ حکومت قوانین ابوظبی بر قرارداد را کنار نهاد و با استناد به ماده ۱۷ قرارداد، که به گفته او حاوی «اصولی است که ریشه در حسن نیت و رویه رایج در ملل متمدن دارد»، اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن را جایگزین نمود.^۲

از جمله داوری‌های معروفی که در آن به موضوع قانون حاکم و اصول کلی حقوقی پرداخته شده است، داوری‌های سه گانه علیه دولت لیبی است.^۳ در این دعاوی پرونده‌ها با توجه به اینکه مفاد قراردادهای موضوع هر سه دعوا، به ویژه از حیث قانون حاکم و شرط داوری کمابیش در هر سه مشترک بود، موضوع قانون حاکم بر قرارداد از موضوعاتی بود که داور پرونده باید به آن توجه می‌نمود و مباحثی را در حوزه حقوق داوری و قانون حاکم مطرح می‌نمود.

ماده ۲۸ (۷) این قراردادها در خصوص قانون حاکم مقرر می‌داشت:

«این امتیاز تابع اصول حقوقی لیبی که با اصول حقوق بین‌الملل مشترک هستند، خواهد بود و بر اساس آن تفسیر می‌شود و در صورت عدم وجود چنین اصول مشترک، اصول کلی حقوقی، از جمله اصولی که محاکم بین‌المللی اعمال می‌کنند، بر آن حاکم خواهد بود».

در داوری شرکت لیامکو علیه لیبی داور، آقای محمصانی در خصوص قانون حاکم این‌گونه بیان نمود:

«این اصول کلی معمولاً در اکثر نظام‌های حقوقی شناخته شده، و به ویژه در قوانین لیبی، از جمله قوانین مدرن آن و قوانین اسلامی، گنجانده شده‌اند. آنها توسط دادگاه‌های داخلی اعمال می‌شوند و عمدتاً در قوانین بین‌المللی و داوری به آنها اشاره می‌شود. بنابراین، آنها مجموعه‌ای از دستورات و ماکسیم‌های حقوق را شکل می‌دهند که در نظریه و عمل به طور جهانی پذیرفته شده‌اند. از مصادیق این احکام، از جمله، اصول حرمت اموال و قراردادهای، احترام به حقوق مکتسبه، ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه، الزام به جبران خسارت در صورت سلب مالکیت و خسارت ناروا و غیره است».

۲. حفاظت از نظم حقوقی

اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن به عنوان بدنه اصلی سیستم حقوقی همواره از نظم حقوقی محافظت می‌کند. از این رو، می‌توان اصول کلی حقوقی را به عنوان محافظ نظم عمومی نظام حقوقی در نظر گرفت، آنگونه که دیوان داوری ایکسید بیان نموده است؛ منظور از نظم

1. Trucial Coast Ltd

2. Petroleum Development Ltd. v. Sheikh of Abu Dhabi. 181. L.R 144(1951)

3. BP Exploration Company (Libya) Limited v. The Government of the Libyan Arab Republic.(1979)

Texaco Overseas Petroleum Company and California Asiatic Oil Company v. the Government of the Libyan Arab Republic

Libyan American Oil Company (LIAMCO) v. the Government of the Libyan Arab Republic

عمومی بین‌المللی، «یک سری اصول اساسی است که جوهره یک نظام را شکل می‌دهد و کارکرد اساسی آن حفظ ارزش‌های بین‌المللی در برابر اقدامات مغایر با آن است» (ایکسید، ۲۰۰۶: ۲۲۸)^۱ بر این اساس، وضع، اعمال و اجرای قواعد حقوقی باید در چارچوب و متناسب با اصول کلی حقوقی صورت بگیرد. وضع و اجرای قواعد حقوقی بدون توجه به اصول کلی حقوقی، مانند اصول حسن نیت، وفای به عهد و تناسب باعث عدم کارایی، بی‌اعتباری یا حتی بطلان آن می‌شود. همان‌گونه که آقای دکتر کاتوزیان بیان داشته‌اند، مجموع اصول کلی حقوقی، پایه‌های تمدن و نظام حقوقی را به وجود می‌آورد. شناختن و حمایت از آن‌ها وسیله حفظ مدنیت و اخلاق و نظم هر اجتماع است. از این طریق می‌توان هر گونه آسیبی که به نظام حقوقی وارد می‌شود، دفع نمود و مانع از ورود انگل‌های زیان‌بخش به بدن اجتماع شد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۵۰)

ریبیر اصول کلی حقوق را مفهومی نزدیک به نظم عمومی می‌داند. او معتقد است اختلاف در مبنای اصول کلی و ابهام در مفاد آن‌ها نباید سبب تردید در وجود قواعد عالی شود. این وجود هنگامی احساس می‌شود که مورد تجاوز قرار بگیرد. اصول کلی به هم مربوط و آمیخته‌اند و مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که پایه‌های تمدن و نظم اساسی را نگاهداری می‌کنند. قانونی که در این ساختمان حقوقی وارد می‌شود، نباید پایه‌های اصلی را در هم بریزد و نظم آن را مختل کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۴۷). او معتقد است اصول حقوقی، پایه ساختمان حقوقی و حافظ نظم آن هستند و قانونی که وضع می‌شود، باید با این پایه هماهنگ باشد تا ساختمان آن استوار باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۲۶). از این رو، لازم است چه هنگام وضع قوانین، چه اعمال و اجرای آن‌ها، اصول کلی حقوقی در نظر گرفته شود و برخلاف آن اقدامی صورت نگیرد.

رویه دیوان دآوری ایران- ایالات متحده آمریکا، بارها اصول کلی حقوقی [شناخته‌شده در ملل متمدن] را این مفهوم به کار برده است و اجرای قواعد حقوقی را در لوای این اصول قرار داده است؛ از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «اخطار مهم» اشاره کرد که دیوان دآوری در ذیل تصمیم تفسیری خود در پرونده الف/۱۸ اتخاذ کرده است. براساس این اخطار، خواهان دارنده تابعیت مضاعف که به اعتبار تابعیت مؤثر و غالب خود صرفاً از حیث صلاحیت شخصی «حق رجوع» به دیوان دآوری را پیدا کرده است، حق ندارد برای مطالبه حقوق و اموالی که به اعتبار تابعیت دیگر خود کسب کرده، نزد این دیوان طرح دعوا نماید. این اخطار مهم چیزی نیست جز اعمال اصول کلی حقوقی حسن نیت، دست‌های پاک، منع سوءاستفاده از حق و نیز اصل منع انکار پس از اقرار. در واقع، با این اخطار، دیوان دآوری بیان می‌دارد اعمال حقوق مکاتب نمی‌تواند خارج از اصول کلی حقوقی شکل بگیرد و اجرا شود. در چندین پرونده، دیوان دآوری با اعمال این اخطار مهم،

1. ICSID. Inceysa Vallisoletana, S.L. V. Republic of El Salvador

دعوی طرح شده را رد نمود؛ از جمله در پرونده «محمود علیه ایران»، پرونده «روبرت شات علیه ایران»، پرونده «جیمز ساقی و دیگران علیه ایران» و «پرونده کرویان علیه ایران». مرکز بین‌المللی حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) در آرای خود توجه ویژه‌ای به اصل حسن نیت داشته و اعلام داشته است در صورتی که سرمایه‌گذار حسن نیت نداشته باشد، این مرکز صلاحیت رسیدگی به اختلافات ادعایی او را نخواهد داشت و از هیچ حمایتی برخوردار نخواهد بود. دیوان با بیان اینکه اصل حسن نیت همانطور که در تمام نظام‌های حقوقی ملی نیز وجود دارد، از دیرباز نیز در حقوق بین‌الملل عمومی به رسمیت شناخته شده است. این اصل از طرفین می‌خواهد که «با یکدیگر صادقانه و منصفانه رفتار کنند، انگیزه‌ها و مقاصد خود را صادقانه نشان دهند و از سوءاستفاده ناعادلانه خودداری کنند...». از این رو، دیوان داوری ایکسید در قضیه فونکس در این خصوص بیان می‌دارد:

«از نظر دیوان، نمی‌توان تصور کرد که کشورها برای سرمایه‌گذاری‌هایی که با حسن نیت انجام نشده‌اند، به مکانیسم حل اختلاف ایکسید دسترسی داشته باشند. در صورتی که چنین حمایتی مغایر با اصول کلی حقوق بین‌الملل باشد، که در میان آنها اصل حسن نیت از اهمیت بالایی برخوردار است، حمایتی از داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی نمی‌تواند صورت بگیرد» (ایکسید^۱، ۲۰۰۹: ۴۲).

این موضوع که معاهدات بین‌المللی که از طریق داوری از سرمایه‌گذاران خارجی حمایت می‌کنند، باید با حسن نیت اعمال شوند، در رای داوری شرکت آسیایی امکو و همکاران علیه اندونزی (ایکسید^۲، ۱۹۸۳: ۱۴). و نیز در قضیه اینسیزا علیه السوادور (ایکسید^۳، ۲۰۰۶: ۲۳۰-۱۷۹-۱۸۱). نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در همین رای، دیوان عدم رعایت حسن نیت را به عنوان عدم رعایت سیاست عمومی در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد بر اساس اصل کلی حسن نیت، معاهدات باید در صورت امکان به گونه‌ای تفسیر شوند تا امکان تقلب را کنار بگذارند؛ بنابراین، به رسمیت شناختن وجود حقوق ناشی از اعمال غیرممکن نیست، زیرا این امر موجب نقض احترام به قانون می‌شود که این موضوع یک اصل سیاست عمومی بین‌المللی است. (ایکسید^۴، ۲۰۰۶: ۲۴۵-۲۵۲). در قضیه «پلاما» دیوان رویکرد مشابهی اتخاذ نموده است (ایکسید^۵، ۲۰۰۸: ۱۴۱-۱۴۲).

اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن، در شرایط خارج از اراده و در وضعیت‌های استثنایی یک واقعه حقوقی، آن واقعه را در شکل اولیه خود حفظ می‌کند و مانع از خروج نظم حقوقی شکل گرفته از حالت تعادل می‌شود. در این جاست که فورس ماژور، به عنوان یک اصل

1. ICSID. Phonex Action, Ltd V. Czech Republic
2. ICSID. Amco Asian Corporation and Others V. Republic of Indonesia (Decision on Jurisdiction)
3. ICSID. Inceysa Vallisoletana, S.L. V. Republic of El Salvador
4. ICSID. Inceysa Vallisoletana, S.L. V. Republic of El Salvador
5. ICSID. Plama Consortium Limited v. Republic of Bulgaria

کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن، برای محافظت از نظم حقوقی اعمال می شود. فورس ماژور که یکی از موارد رافع مسئولیت طرف متعهد و یا بر اساس ماده ۲۳ طرح کنوانسیون مسئولیت بین المللی دولت ها، از موارد رفع وصف متخلفانه بودن عمل دولت در نظر گرفته شده است، دو نتیجه مهم دارد: یکی، تعلیق یا انحلال قرارداد و دیگری، عدم مسئولیت ناشی از قرارداد و یا به طور کلی تر، عدم مسئولیت ناشی از هر تعهد بین المللی.

دیوان داوری ایران- ایالات متحده در رای شماره ۲-۴۹-۲۴ مورخ ۵ مرداد ۱۳۶۲، به موضوع فورس ماژور استناد می کند و بیان نموده است که: «به طور کلی، یکی از آثار فورس ماژور براءت و عدم مسئولیت متعهد است و در آن جا که قرارداد به علت فورس ماژور اجرا نشده یا در اجرای آن تاخیری وجود داشته، متعهدله نمی تواند بدین سبب مطالبه خسارت کند».

در قرار اعدادی شماره ۱-۲۴-۳۲ (پرونده شماره ۲۴ مورخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۳)، نیز دیوان داوری بعد از اشاره به اعتصابات، تعطیلی کار، اختلاف، تغییر نظام اقتصادی و سیاسی و بالاخره، انقلاب در ایران چنین می گوید: «از نظر حقوق بین الملل، چنین انقلابی استحقاق جبران خسارت به سرمایه گذاران نمی دهد. بنابراین، با در نظر گرفتن حوادث قبل از ژانویه ۱۹۷۹ که خواهان ها به آن اشاره می کنند، دیوان داوری هیچ یک از حوادث را منفرد و یا در مجموع، به مثابه گرفتن حقوق قراردادی و سهام خواهان ها نمی شناسد».

در پرونده آناکوندا نیز دیوان داوری، فورس ماژور را یک اصل کلی حقوقی در نظر گرفته و در این پرونده اعمال نموده است و اینگونه بیان داشته است که: «بیشتر نظام های حقوقی، اگر بگوییم تمام آن ها، به عناوین مختلف فورس ماژور را به عنوان عذر عدم اجرای قرارداد می پذیرند. بنابراین، فورس ماژور را می توان به عنوان یک اصل کلی حقوقی تلقی کرد».

استاپل نیز دیگر اصل کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن است که در جهت منع سوءاستفاده از حق به کار می رود و به این ترتیب، از نظم حقوقی محافظت می نماید. استاپل ها به خصوص آن دسته که مبتنی بر انصاف شناخته شده اند، موجب دادرسی منصفانه و مبتنی بر حسن نیت و تشویق و پیشبرد عدالت می شوند تا آنجا که آن ها را در جایگاه کلی نظم عمومی و اخلاق حسنه قرار داده اند. استاپل مانع از ارائه دلیل مخالف است و از این حیث شبیه نظم عمومی است. در خصوص استاپل، این دیدگاه همچنان وجود دارد که به این قاعده باید تنها به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از بی عدالتی توسل جست و نه برای جلوگیری از اجرای قانون. همچنین، استاپل نباید اجازه یابد که از شرایط و حدود عمل حقوقی منشا آن فراتر رود. به علاوه، استاپل اگر به ناحق اعمال شود، می تواند موثرترین سلاح برای اتمام و اکمال بی عدالتی باشد؛ اما این قاعده قابلیت آن را دارد که به شکلی درست اعمال شود و در چارچوب وظیفه خود باقی بماند. در این

صورت، استاپل مبتنی بر عقل و عدالت بوده و همان‌گونه که قاعده‌ای حقوقی محسوب می‌شود، می‌تواند اصلی اخلاقی هم به حساب آید (افتخار جهرمی، شهبازی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۳).

در دیوان داورای ایران و ایالات متحده آمریکا، موارد بسیاری وجود دارد که دیوان داورای، با استناد به استاپل، مانع از سوءاستفاده از حق شده است؛ از جمله این موارد، می‌توان به رد ادعای خواننده در پرونده «ریگو واگنر ایکو ایمنیت کامپنی علیه ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن»^۱، در پرونده «آن.ان پامروی علیه ایران»^۲، «اف.ام. سی کورپوریشن علیه وزات دفاع و سایر خوانندگان ایرانی»^۳ و نیز رد دعوی خواهان در پرونده «موبیل اوایل ایران اینکورپوریتد و شرکت‌های نفتی دیگر علیه دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران»^۴ اشاره کرد.

۱. در این دعوا، خواننده، شرکت ایران اکسپرس که تابعیت ایرانی داشت، مدعی بود اکسپرس ترمینال تحت کنترل دولت ایران، یعنی آنچه بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل‌وفصل دعوی الجزایز برای صلاحیت دیوان لازم می‌داند، نیست، بلکه یک واحد مستقل است؛ اما دیوان این ادعا را نپذیرفت، زیرا خواهان بر اساس موضع سابق خواننده، که در دادگاه ایالات متحده آمریکا خود را شرکت ایرانی تلقی کرده بود، وضعیت خود را تغییر داده و در دیوان طرح دعوا نموده است. ریگو واگنر ایکو ایمنیت کامپنی علیه شرکت استارلاین در مجموعه آرای دیوان داورای ایران- ایالات متحده آمریکا، چاپ اول (تهران، معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۹۳)، جلد چهارم.

۲. در این دعوا، خواهان تعداد زیادی صورت حساب‌های پرداخت نشده را مطالبه می‌کرد، ولی خواننده دفاع می‌کرد که مطابق قوانین ایران قراردادی به وجود نیامده است؛ زیرا طرف ایرانی هیچ‌گاه رضایت ضمنی خود را برای انجام کاری اعلام نکرده است. دیوان نظر داد که هم طبق قوانین ایران و هم به موجب اصول کلی حقوقی، این امر کاملاً ثابت و مسلم است که رضایت ضمنی که به واسطه رفتار بعدی ابراز شده، برای انعقاد قرارداد کفایت می‌کند. آر. ان. پامروی و دیگران علیه ایران در مجموعه آرای دیوان داورای ایران- ایالات متحده آمریکا، چاپ اول (تهران، معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۹۳)، جلد چهارم.

۳. در این دعوا، خواننده ایرانی از آنجا که فسخ قرارداد به وسیله تلکس انجام شده بود، منکر این بود که قرارداد را فسخ کرده است؛ و معتقد بود که مطابق قرارداد، مکاتبات باید به شیوه دستی یا نامه هوایی و تلگرام انجام می‌شده است، بنابراین تلکس مربوط اعتبار قانونی ندارد و قرارداد فسخ نشده است. دیوان این استدلال را نپذیرفت و آن را به توسل به استاپل این‌گونه رد نمود: «برای دیوان قابل‌درک نیست که چگونه وزارت دفاع می‌تواند جهت اجتناب از عواقب مکاتبه، به عدم رعایت ماده ۱۷/۲ (ماده مربوط به نحوه انجام مکاتبات مربوط به قرارداد) از طرف خود آن وزارت‌خانه استناد کند... اف. ام. سی. کورپوریشن علیه وزارت دفاع ملی و سایرین در مجموعه آرای دیوان داورای ایران- ایالات متحده آمریکا، چاپ اول (تهران، معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۹۳)، جلد هفتم.

۴. در این دعوا، خواهان‌ها مدعی پرداخت غرامت به شرکت‌های نفتی بودند. خوانندگان عقیم ماندن قرارداد فروش و خرید بیست‌ساله را در نتیجه فورس ماژور می‌دانستند، ولی خواهان‌ها این ادعا را رد کرده و مدعی بودند که اگر هم فورس ماژور وجود داشت، در مارس ۱۹۷۹ و یا حداکثر آوریل همان سال، یعنی موقعی که ایران توانست صادرات خود را از سر بگیرد، پایان یافت. خوانندگان مدعی بودند که خواهان‌ها هنگامی که در ژانویه ۱۹۷۹ کارمندان خارجی آسکو را از ایران بیرون بردند، خود به فورس ماژور استناد کردند و اکنون نباید اجازه یابند که موضع مغایری داشته باشند. دیوان استدلال اخیر خوانندگان را نپذیرفت و خواهان‌ها را از انکار فورس ماژور ممنوع دانست. موبیل اوایل ایران اینکورپوریتد و سایرین (موسوم به کنسرسیوم) علیه ایران و شرکت ملی نفت ایران، در مجموعه آرای دیوان داورای ایران- ایالات متحده آمریکا، چاپ اول (تهران، معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۹۳)، جلد هشتم.

در رای داوری آمکو علیه اندونزی نیز، اگرچه با توجه به خواسته خواننده، دیوان داوری ایکسید به موضوع استاپل ورود و آن را به طور مفصل مورد بررسی قرار داد، ولی در نهایت به دلیل عدم احراز شرایط استاپل، آن را اعمال ننمود (ایکسید^۱، ۱۹۸۳: ۴۲-۴۹).

۳. قاعده‌سازی

ویژگی کلی بودن، انعطاف‌پذیر بودن اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن باعث اعطای کارکردی متمایز به آن‌ها شده است که می‌توان آن را از مهمترین و کاربردی‌ترین آن‌ها دانست. این ویژگی‌ها، این منبع حقوق را تبدیل به یک مخزن تمام‌نشدنی از قواعد و وسیله‌ای مطمئن برای ساختن قواعد حقوقی بین‌المللی نموده است.

اصول کلی حقوقی، نقش برجسته‌ای در زمینه ایجاد قواعد حقوقی ایفا می‌کنند. این اصول عناصر ایجاد و خلق حقوق هستند و به همان اندازه الهام‌بخش قانونگذار. و این یعنی که آن‌ها «منبع» هستند. قاضی بین‌المللی می‌تواند با به کارگیری اصول کلی حقوقی در موقعیت‌های مختلف دست به خلق قواعد حقوقی بزند و هنگام مواجه شدن با خلأهای گریزناپذیر حقوقی با تفسیر قواعد موجود، قواعد دیگری را به عالم حقوق معرفی کند. در چنین وضعیت‌هایی، قاضی از دل اصول کلی حقوقی قاعده‌ای خاص را استخراج می‌کند، حدود و دامنه اجرایی قاعده، شرایط و جهات، مستثنیات و آثار حقوقی آن را معین می‌کند و به این ترتیب، از یک اصل انتزاعی، قواعد متعدد را استنباط می‌کند. اصول کلی حقوقی همچون مخزنی تمام‌نشدنی، بستر مناسبی برای ساخت قواعد بین‌المللی محسوب می‌شوند. قاضی بین‌المللی با استفاده از اصول کلی حقوقی، مبانی استدلالی و عقلی ایجاد یک قاعده حقوقی را خلق می‌کند، حتی برای استخراج یک قاعده عرفی، شرایط و چگونگی آن از اصول کلی حقوقی بهره می‌برد.

ویژگی اصلی آن‌ها این است که کلی باشند تا بتوانند جهت این وظیفه مورد استفاده قرار بگیرند. رابرت کلب در این زمینه گفته است: «اصول در وهله اول انتقال‌دهنده ارزش‌های (اخلاقی، اجتماعی و...) به سیستم حقوقی هستند. بعد از یک نهفتگی، یک ایده جدید حقوقی، تحت تأثیر نیازهای اجتماعی، در برخی از مباحث مطرح می‌شود تا در یک فرصت مناسب بروز پیدا کند. این ایده کلی هنوز لباس حقوقی خاصی به تن ندارد و می‌تواند در برخی از اصول کلی سیستم حقوقی یافت شود. به دلیل موقعیت‌های اصلی زندگی اجتماعی، برخی از این ایده‌های حقوقی، لباس اصول را به تن می‌کنند. بنابراین، در استدلال حقوقی، تحت پوشش آن اصل، قواعدی مانند مسئولیت خطر، تناسب، تفکیک قوا، حسن نیت (به عنوان مثال، انتظارات مشروع) ظهور می‌یابند؛ و یا حتی اصولی مانند معقول بودن و انصاف. از آن لحظه به بعد، با مفاهیم بعدی غنی می‌شوند؛ سپس، با تجزیه و تحلیل علمی در آن ادغام می‌شوند. برعکس، با همان مفهوم می‌توان اصل را با

1. ICSID. Amco Asian Corporation and Others V. Republic of Indonesia (Decision on Jurisdiction)

لحاظ نمودن نیازهای قانونی جدید، از طریق استقرا یا پذیرش آن اصل مبنای استدلال قیاسی دانست؛ به عنوان مثال، قوانین در مورد جبران خسارت، در حقوق بین‌الملل، مانند سایر سیستم‌های مبتنی بر دادرسی، از مجموعه‌ای از اصول کلی حقوقی، عمدتاً اصول رفتار متقابل، تناسب و انصاف تشکیل شده‌اند. یا یک مثال دیگر، حقوق مخاصمات مسلحانه همه قواعد از اصول ضرورت نظامی تناسب تشکیل شده است. تمام حقوق مخاصمات مسلحانه به نوعی تفسیری از این سه اصل حقوقی هستند (کلب^۱، ۲۰۰۶: ۷).

مقتضیات عصر حاضر و نیازهای فزاینده جامعه موضوعات متنوعی که حقوق بین‌الملل با آن مواجه است، رویه بین‌المللی را ناچار به چنین خلاقیتی می‌کند که در غیر اینصورت، هنگام مواجهه با موضوعاتی که در آن خصوص قاعده‌ای وجود ندارد و یا قواعد موجود مناسب آن نیست، باید از حل قضیه شانه خالی نماید. نفوذ حقوقدانان آمریکایی و انگلیسی در محاکم بین‌المللی را هم نمی‌توان در این امر نادیده گرفت، زیرا در نظام حقوقی کامن‌لا، در تصمیم‌گیری در پرونده‌های حقوقی، قاضی فراتر از الزام به متن قانون و عرف، سعی می‌کند دیدگاه‌های حقوقی و برداشت‌های قانونی خود را عملی کند و این خود عاملی است در جهت خلق قواعد جدید حقوقی (دوردسکا^۲، ۲۰۱۹: ۳۰-۳۱).

در داوری‌های بین‌المللی نیز به عنوان مثال، در داوری نفتی لیامکو، داور پرونده با ایجاد رابطه میان اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن و اصول حقوق بین‌الملل مانند اصل حقوق مکتسبه، اصل منع دارا شدن غیر عادلانه، اصل الزام آور بودن قراردادها، اصل رعایت عرف، اصل انصاف و نیز اصل جبران خسارت رژیم حقوقی مناسبی را برای قرارداد مذکور پایه‌ریزی کند و به این طریق مساله غرامت را تبیین نماید و «غرامت منصفانه» را وارد حقوق بین‌الملل نماید. در این رأی، با مراجعه و استناد به «اصل انصاف» به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن، مبلغی به عنوان «غرامت منصفانه» به نفع لیامکو تعیین شده است (مجبی، ۱۳۸۵: ۲۹). در این رأی، پروفیسور محمصانی پس از تفکیک سلب مالکیت به شیوه قانونی و غیرقانونی و بررسی نمونه‌های اصلی ملی کردن‌های بعد از جنگ جهانی دوم که در آن‌ها فقط غرامت پرداخت شده است، نتیجه گرفت که نظریه سنتی غرامت «تحت تأثیر تحولات جدید در مفهوم حق مالکیت و حق حاکمیت دولت‌ها در ملی کردن منابع طبیعی خود قرار گرفته است». او سپس، با ارجاع به اصل انصاف نظر می‌دهد که غرامت «مناسب و منصفانه» تمام آن چیزی است که از لحاظ حقوقی لازم شمرده شده است (مجبی، ۱۳۹۰: ۴۸۷).

همچنین، دیوان داوری ایران-ایالات متحده آمریکا نیز با توجه به اصل عدالت و انصاف، در پرونده «شرکت اوایل فیلد آو تگزاس علیه ایران»، قاعده جدیدی در مورد کنترل عملی شرکت

1. Kolb
2. Dordeska

ارائه و بسط داد و برای اینکه دولت ایران را طرف دعوا و مسئول تعهدات قراردادی بدانند که موجودیت مستقل از دولت ایران داشته است، کنترل عملی دولت بر عملیات شرکت تجاری مزبور را کافی تلقی کرده است. دیوان در این رأی بیان می‌دارد:

«... از نگاه اصول کلی حقوقی [شناخته شده در ملل متمدن]، پذیرش این امر دشوار است که جانشینی عملی که در عالم خارج محقق شده، به این نتیجه متجر شود که شرکت ملی نفت ایران بتواند کاملاً از تعهدات خود شانه خالی کرده و تعهدات قبلی خود را در تأمین وجود لازم برای ایفای مسئولیت‌های قراردادی کنار بگذارد...».

هرچند در این رأی دیوان به طور کلی به اصول کلی حقوقی، اما منظور از آن، اصول عدالت، انصاف و حسن نیت است.

دیوان داوری ایران و ایالات متحده در یکی دیگر از ابتکارات خود، با استناد به اصل حسن نیت، معیار جدیدی برای تفکیک مصادره مشروع و نامشروع ارائه می‌دهد. در پرونده آموکو، دیوان داوری به قصد و نیت دولت در سلب مالکیت اشاره می‌کند و بیان تازه‌ای از شروط سلب مالکیت مشروع به دست می‌دهد و بر عنصر نیت به عنوان نشانه‌ای بر مشروعیت عمل دولت در سلب مالکیت تاکید می‌کند.

مصادره‌ای که تنها هدف از آن فرار از تعهدات قراردادی دولت و یا واحد کنترل دولت باشد، نمی‌تواند طبق حقوق بین‌الملل مشروع تلقی شود. چنین مصادره‌ای در واقع مغایر با اصل حسن نیت بوده و مشروع شمردن آن با این قاعده جافتاده که دولت حق دارد با عقد قرارداد با شرکت‌های خارجی خود را متعهد سازد، منافات خواهد داشت. همچنین، این مطلب نیز عموماً پذیرفته شده که دولت حق ندارد به دلایل صرفاً مالی یک شرکت خارجی را مصادره کند...» (اموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن علیه ایران، شرکت ملی نفت ایران و...، ۱۳۶۶: ۲۲۰).

از قواعد مهمی که در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری بر اساس اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن شکل گرفته و تقریباً در تمامی معاهدات سرمایه‌گذاری گنجانده می‌شود، قاعده «رفتار عادلانه و منصفانه» است. آن گونه که دالرز و شروتر گفته‌اند، «این قاعده تا حدودی با معنای اصل حسن نیت البته، در معنای موسع و همچنین، با یک مفهوم بسیار مهم که مفهوم تناقض‌گویی به زیان دیگری و مفهوم استاپل را در خود نهفته دارد، هم‌پوشانی دارد» (دالرز و شروتر، ۱۳۹۳: ۲۰۳).

۴. تفسیر

یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل، موضوع تفسیر قواعد بین‌المللی است؛ عملی که بر اساس آن موارد مبهم، مجمل و مسکوت حقوق بین‌الملل مورد بررسی بیشتر قضات و مفسران حقوقی قرار می‌گیرد و از رهگذر آن، زوایای پوشیده یک قاعده روشن می‌گردد. همچنین، تفسیر در تطبیق

یک قاعده حقوقی بر واقعه خارجی نیز اعمال می‌شود و از طریق آن مفسر به اعمال قواعد حقوق بین‌الملل می‌پردازد. از این رو، تفسیر عملی بسیار پیچیده، ظریف و دقیق محسوب می‌شود که بار آن به طور عمده بر عهده رویه قضایی است.

وجود قواعد مبهم، مجمل و گاهی ناقص در حقوق بین‌الملل اجرای قواعد را مشکل می‌نماید، از این رو اجرای یک قاعده حقوقی بدون تفسیر آن صورت نمی‌گیرد. عامل این ابهام و نقص در بسیاری از موارد تغییر و دگرگونی در واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... است. بنابراین، اگر حقوق بخواهد مؤثر باشد، باید منطبق با این دگرگونی‌ها انعطاف داشته باشد. اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن وسیله این انطباق با وقایع در عالم حقوق بین‌الملل و پاسخگویی به نیازهای جدید است. این همواره جزء جدایی‌ناپذیر تفسیر محسوب می‌شده است. استناد به اصول حقوقی، به تفسیر جنبه علمی می‌بخشد. از این رو است که استیون پرتون^۱، حقوقدان آمریکایی، در کتاب خود تحت عنوان «قضاوت با حسن نیت»، بیان می‌دارد که «استناد به اصول حقوقی [شناخته شده در ملل متمدن] در (تفسیر) بر وزن استدلال می‌افزاید». (به نقل از صادقی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

اصول کلی حقوقی به مانند ابزاری است که حقوقدان به کمک آن‌ها به بیان نظرات و اندیشه‌های خود در باب یک موضوع حقوقی می‌پردازد. رونالد دورکین، استاد فلسفه حقوق، از اصول به عنوان «نگرشی جامع و منحصر به فرد از عدالت» یاد می‌کند (به نقل از صادقی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

همچنین، اندیشمندان حقوقی با تفسیر آرای صادره از محاکم قضایی نقش بسیار مهمی در پیشبرد آرا و نیز توسعه مفاهیم حقوق بین‌الملل ایفا می‌نمایند. بی‌تردید، مهم‌ترین ابزار جهت این امر، استفاده از اصول کلی حقوقی است. نمونه بارز اصولی که در تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل به خصوص قواعد معاهداتی استفاده می‌شود، اصل حسن نیت در کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ بیان شده است. ماده ۳۱ این کنوانسیون بیان می‌دارد:

«معاهده باید با حسن نیت... و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر شود». در قلمرو اجرای معاهدات، حسن نیت جزء لازم قاعده وفای به عهد است. ماده ۲۶ معاهده، که خود متضمن وفای به عهد است، به صراحت به حسن نیت اشاره کرده است.^۲

اصل حسن نیت به عنوان مهمترین اصل تفسیری در حقوق بین‌الملل در موارد بسیاری استفاده شده است. در پرونده «شرکت آسیایی آموکو» در دیوان داورای ایکسید، بیان شده است که: «هر

1. Steven Burton

۲. ماده ۲۶ عهدنامه ۱۹۶۹ وین: «هر معاهده لازم الاجرائی، طرفها را ملزم می‌کند و باید توسط آن‌ها با حسن نیت به اجرا در آید».

معاهده‌ای... باید با حسن نیت تفسیر شود. در این صورت، می‌توان گفت طرفین با داشتن انتظارات مشروع و منطقی می‌توانند نتایج تعهد خود را مورد توجه قرار دهند». (ایکسید^۱، ۱۹۸۳: ۱۴).

در قضیه فونیکس، دیوان ایکسید، ضمن استناد به قاعده عرفی، به تعریف و تفسیر مفهوم سرمایه‌گذاری پرداخته است. دیوان در این رای بیان داشته است تنها آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی که مطابق با حسن نیت باشند و قصد سوءاستفاده از این موقعیت را ندارند، سرمایه‌گذار تلقی شده و قابل حمایت هستند. هرچند که تعریف سرمایه‌گذار در معاهده حاضر به طور کامل با آنچه که در حقوق داخلی به عنوان سرمایه‌گذاری نامیده می‌شود، تطابق نکند (ایکسید^۲، ۱۹۸۳: ۱۰۶-۱۱۳).

در دیوان داوری ایران و ایالات متحده نیز در پرونده الف ۱۱ که موضوع اختلاف عبارت است از تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر در خصوص بازگرداندن اموال و دارایی‌هایی تحت کنترل Estate یا بستگان نزدیک شاه سابق در ایالات متحده («دارایی‌های خانواده پهلوی») به ایران. در این پرونده، ایران مدعی است که ایالات متحده ماده چهار را به اشکال مختلف نقض کرده است. در این خصوص، هیئت عمومی با استناد به اصل حسن نیت، برای تفسیر بیانیه در خصوص دستورات انسداد و نقض بند ۱۲ به این نتیجه می‌رسد که:

«در بیانیه‌های الجزایر هیچ ضرب‌الاجلی برای صدور دستورات مزبور مقرر نشده است. در نبود ضرب‌الاجل صریح، دیوان به اصل حسن نیت در تفسیر معاهدات استناد و نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده مکلف بوده دستورات مذکور را «ظرف مدت معقولی» صادر نماید. بنابراین، دیوان باید به بررسی این موضوع پردازد که در اوضاع و احوال موجود، یک چنین مدت معقولی چه می‌توانست باشد» (حکم شماره ۵۹۷-الف ۱۱ هیئت عمومی، ۱۳۷۹: ۱۵۸).

در پرونده الف ۱۵ (چهار) که در آن ایران مدعی بود که دستور اجرایی و بعضی از مقررات خزانه‌داری که بعد از تاریخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۵۹، [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] در اجرای تعهد ایالات متحده جهت خاتمه دادن به دعاوی صادر گردید، تخلف از تعهدات ایالات متحده در بیانیه‌های الجزایر، به ویژه تعهدات ایالات متحده به موجب اصل کلی «ب» محسوب می‌شود. دیوان با استناد به اصل حسن نیت، بار دیگر به تفسیر معاهدات الجزایر پرداخت و بیان داشت: «در نبود مهلتی صریح، دیوان به اصل کلی حسن نیت در تفسیر معاهدات استناد می‌نماید که این نتیجه‌گیری را لازم می‌دارد که ایالات متحده مکلف بوده اقدامات حقوقی و دعاوی مطروح علیه ایران را دادگاه‌های آن کشور را احتمالاً در صلاحیت دیوان بوده و در نتیجه، می‌بایست به دیوان ارجاع شوند، ظرف مدت معقولی مختومه نماید. بنابراین، دیوان باید بررسی نماید که در اوضاع و احوال موجود، این

1. ICSID. Amco Asian Corporation and Others V. Republic of Indonesia (Decision on Jurisdiction)
 2. ICSID. Amco Asian Corporation and Others V. Republic of Indonesia (Decision on Jurisdiction)

مهلت معقول چه می‌توانسته باشد». (حکم شماره ۵۹۰- الف ۱۵ (چهار) الف ۲۴- هیئت عمومی، ۱۳۷۷: ۴۲۹).

از دیگر مواردی که از اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن در تفسیر قواعد به کار می‌رود، تفسیر قاعده رفتار عادلانه و منصفانه در دعاوی سرمایه‌گذاری است؛ قاعده‌ای که در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری جایگاه ویژه‌ای دارد. از آن‌جا که قاعده رفتار عادلانه و منصفانه یک قاعده کلی است که مصادیق آن ممکن است در هر پرونده متفاوت باشد، بنابراین اقدامات انجام‌شده توسط دولت میزبان، باید مورد بررسی و تفسیر قرار بگیرد. دیوان‌های داوری بارها تاکید داشته‌اند که حسن‌نیت در ماهیت و طبیعت رفتار منصفانه و عادلانه مستتر است. در پرونده تکمد نیز که دیوان رفتار منصفانه و عادلانه مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری را تفسیر می‌نمود، در رابطه با حسن‌نیت ابراز داشت که: «دیوان داوری به این نتیجه رسیده است که تعهد به رفتار عادلانه و منصفانه... تصریح به اصل حسن‌نیت و بخشی از اصل حسن‌نیت، به عنوان یک اصل مورد تایید حقوق بین‌الملل است...».

در پرونده تلکام نیز دیوان داوری بیان داشته است که رفتار منصفانه و عادلانه شامل رفتار با حسن‌نیت نیز می‌شود و رفتار دولت نمی‌تواند خودسرانه، به شدت ناعادلانه، ناعادلانه، غیرعادی، تبعیض‌آمیز یا فاقد روند قانونی باشد. در دعاوی سولوکا علیه جمهوری چک، دیوان داوری اظهار می‌دارد که جمهوری چک باید سیاست‌های حقوق را با حسن‌نیت به اجرا گذارد تا استانداردهای ثبات، شفافیت و عدم تبعیض که شرط رفتار عادلانه و منصفانه دربردارنده آن‌هاست، نقض نشود. در دعاوی سمپرا علیه آرژانتین نیز دیوان به صراحت اشاره نموده است که حسن‌نیت، در قلب مفهوم رفتار عادلانه و منصفانه است.

۵. اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن به عنوان قاعده حقوق بین‌الملل

اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل بارها مورد توجه دیوان‌های داوری قرار گرفته است، به گونه‌ای که با توجه به نقض آن قاعده، رای به مسئولیت یا عدم مسئولیت طرفین اختلاف صادر شده است. این اصول در ادامه بررسی می‌شوند.

۵-۱. اصل منع دارا شدن ناعادلانه

از جمله این موارد، اصل منع دارا شدن ناعادلانه است. پرونده سی-لند سرویس اینکوپوریتد علیه ایران و سازمان بنادر و کشتیرانی در دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا از مهمترین دعاوی است که در آن به این اصل استناد شده است. در این پرونده، خواهان مدعی بود سازمان بنادر و کشتیرانی نباید بلاجهت و به ضرر سی-لند دارا شود و مسئول است که بابت ارزش

تاسیساتی که کنترل آن را در دست گرفته است، به سی-لند غرامت پردازد. دیوان داوری در این پرونده به تفصیل به بررسی این اصل در حقوق می پردازد و در نهایت، بر اساس ادعای خواهان و با بررسی مدارک معدودی که در مورد استفاده از انتفاع و استفاده از تاسیسات توسط سازمان بنادر و کشتیرانی ارائه شده بود و نیز با استدلال‌هایی که در زمینه دارا شدن بلاجهت مطرح نمود، خواننده را به پرداخت ۷۵۰/۰۰۰ دلار بر اساس غرامت منصفانه محکوم نمود (سی-لند سرویس اینکورپوریتد علیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳: ۱۴۲-۱۴۱).

در پرونده ایسایاه علیه بانک ملت ایران نیز دیوان داوری با بررسی اصل ممنوعیت دارا شدن ناعادلانه و استناد به آن در این قضیه حکم صادر می نماید (بنجامین آر. ایسایاه علیه بانک ملت، ۱۳۶۲: ۱۹۹-۲۰۰).

در قضیه لندرو، کمیسیون داوری که میان ایالات متحده و پرو تشکیل شد، نظر داد که با این می پذیرد قراردادی که قبلاً وجود داشته، لغو شده، اما دولت پرو بر اساس اجرت‌المثل الزاماً در قبال خواهان مسئول است؛ زیرا بهره‌برداری از فضولات پرنده‌گان دریایی توسط دولت با استفاده از اطلاعاتی صورت گرفته که لندرو درباره کشفیات خود در اختیار دولت قرار داده بود.

۵-۲. اصل حسن نیت

رای مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید) در دعوی شرکت اینسیزا وایسولتانا علیه دولت السالوادور، از موارد مهمی است که با توجه به بند ۳ ماده ۱۱ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان اسپانیا (دولت متبوع اینسیزا) و السالوادور مبنی بر حاکمیت قواعد و اصول عموماً پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل در داوری، دیوان داوری به این موضوع پرداخته‌اند.

این رای از معدود مواردی است که اصل حسن نیت به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شده است و به نقض آن اشاره شده است. در این پرونده، دیوان با بررسی اصل حسن نیت و اقدامات شرکت اینسیزا، به این نتیجه می‌رسد که این شرکت با نقض اصل حسن نیت، مرتکب تخلف شده است. دیوان در این خصوص بیان می‌دارد:

«حسن نیت یک اصل عالی است که بر روابط حقوقی در تمام جوانب و محتوا حاکم است. در

خصوص گستره و محتوای اصل حسن نیت، توجه به نظرات زیر ضروری است:

این اصل برای نشان دادن روحیه وفاداری، احترام به قانون و صداقت، به عبارت دیگر، عدم تقلب یا تزویر در روابط حقوقی دو یا چند نفر استفاده می‌شود... برای این دادگاه روشن است که سرمایه‌گذاری انجام شده توسط اینسیزا در قلمرو السالوادور، که منجر به مناقشه فعلی شده است، با نقض اصل حسن نیت انجام شده است (ایکسید^۱، ۲۰۰۶: ۲۳۰-۲۳۹).

1. ICSID. Inceysa Vallisoletana, S.L. V. Republic of El Salvador

۵-۳. اعتبار امر مختوم

داوری «صندوق خیریه» میان ایالات متحده آمریکا و مکزیک اولین داوری بود که در آن به اعتبار امر قضاوت شده استناد شده است (قاسمی، چهاربخش، ۱۳۹۱: ۱۳۳). در این رای، ایالات متحده دعوی مبتنی بر پرداخت‌های سالانه بعدی را نزد دیوان دائمی داوری مطرح کرد، موضوعی که پیش از آن در کمیسیون دعاوی ایالات متحده آمریکا-مکزیک مطرح شده بود. دعوی مذکور در سال ۱۸۷۵ منتج به صدور رای شده بود. دیوان دائمی داوری نیز در سال ۱۹۰۲ حکم کرد که رای پیشین که در سال ۱۸۷۵ صادر شده است، از اعتبار امر مختوم نزد اصحاب دعوا برخوردار است. این دیوان عنوان داشت: «قاعده اعتبار امر مختوم هم شامل احکام صادره از دادگاه‌های تشکیل شده توسط دولت‌هاست و هم شامل آرای داوری که صلاحیت آن توسط اصحاب دعوا تعیین شده است.

از موارد استناد به اصل اعتبار امر مختوم در داوری‌های بین‌المللی، پرونده «ب» ۶۱ در دیوان داوری ایران و ایالات متحده آمریکا است. در این پرونده، ایالات متحده معتقد بود باید دوباره به موضوع تعهد ضمنی در پرونده «الف» ۱۵ (دو «الف» و دو «ب») طبق بیانیه عمومی به عهده این کشور گذاشته شده است تا بابت زیان‌های محتمله به ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای مجوز صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات جاری قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) بوده، به ایران غرامت بپردازد. ایالات متحده موکداً از دیوان درخواست می‌کرد که آن تصمیم را مورد تجدیدنظر قرار دهد. در مقابل، ایران استدلال می‌نمود که تصمیم دیوان در آن حکم جزئی دایر بر وجود تعهد ضمنی برای پرداخت غرامت قابل تجدیدنظر نیست؛ زیرا آن تصمیم دارای اعتبار امر مختوم در پرونده «ب» ۶۱ است و پرونده «الف» ۱۵ (دو «الف» و دو «ب») دقیقاً متضمن همان طرف‌ها، دقیقاً همان پیشینه موضوعی و دوره زمانی، دقیقاً همان‌گونه اموال مشمول صادرات و همان مقررات عهدنامه‌ای پرونده «ب» ۶۱ است. از این رو، پرونده حاضر اعتبار امر مختوم دارد.

دیوان سپس، به بررسی اصل اعتبار امر مختوم می‌پردازد و بیان می‌دارد:

«قاعده اعتبار امر مختوم، یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شده در ملل متمدن است و علاوه بر اینکه از پذیرش وسیع در نظام‌های حقوقی داخلی برخوردار است، یک قاعده مسجل و پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است...».

در نهایت، دیوان در این موضوع بیان می‌دارد که رای دیوان در حکم جزئی خود در حکم جزئی «الف» ۱۵ (دو «الف» و دو «ب») دایر بر اینکه ایالات متحده تعهدی ضمنی طبق بیانیه عمومی برعهده دارد تا بابت زیان‌های محتمله توسط ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای مجوز

صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات بوده، به ایران غرامت پردازد، اعتبار امر مختوم دارد (حکم شماره ۶۰۱- «ب» ۶۱ هیئت عمومی، ۱۳۸۸: ۶۸۰).

به همین ترتیب، در پرونده کارخانه «تریل سملتر»، داوری میان کانادا و ایالات متحده که در مورد ایجاد آلودگی فرامرزی است؛^۱ در «داوری کانال» در سال ۱۹۸۷ بین فرانسه و بریتانیا در مورد تحدید فلات قاره نیز به اعتبار امر قضاوت شده، محاکم داوری از رسیدگی مجدد در موضوع مورد بحث امتناع نمودند.^۲

۵-۴. اصل منع سوءاستفاده از حق

رای صادره در قضیه فونیکس اولین رای بود که به موجب آن، دیوان به رد دعوی خواهان بر مبنای ارتکاب اصل سوءاستفاده از حق مبادرت نموده است (رضوی طوسی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۸۲). در این اختلاف، خواهان اسرائیلی، سهام دو شرکت GB و BP که دارای تابعیت جمهوری چک بودند را تملک نموده و علیه جمهوری چک طرح دعوا نموده بود. این اقدام شرکت اسرائیلی جهت ایجاد صلاحیت برای طرح دعوا در دیوان ایکسید صورت گرفته بود. از همین رو، دیوان اظهار داشت که تملک سهام دو شرکت توسط شرکت اسرائیلی به منظور تغییر ساختار تابعیت شرکت و بر مبنای اصل سوءنیت از نظام ایکسید انجام شده، بنابراین به عدم صلاحیت خود، حکم صادر نمود. از نظر دیوان، سوءاستفاده از حق در واقع، سوءاستفاده از جریان رسیدگی است که به منظور ایجاد داستان غیرواقعی و دسترسی به داوری بین‌المللی که سزاوار استفاده از آن نبوده است، صورت گرفته است (ایکسید^۳، ۲۰۰۹: ۱۴۳).

۵-۵. اصول دادرسی عادلانه

اصول دادرسی عادلانه نیز از اصول کلی حقوقی شناخته شده در ملل متمدن هستند که در تمام نظام‌های حقوقی وجود دارند و بدون رعایت آن‌ها اطمینان به تضمین عدالت که هدف اصلی نظام حقوقی است، امکان ندارد. اصول دسترسی به عدالت قضایی، رسیدگی عادلانه و ممنوعیت استنکاف عدالت در واقع، سه مرحله از جریان رسیدگی قضایی هستند که شامل حق اقامه دعوا، حق طرفین دعوا به برخورداری از رفتار منصفانه در جریان رسیدگی و حق بهره‌مندی از رای مناسب در پایان رسیدگی است. در پرونده آرنین علیه مکزیک، دیوان به طور خلاصه این ضابطه‌ها را این گونه بیان می‌دارد:

1. Arbitral Award. (1941). Trail Smelter Case (USA v Canada)
2. Arbitral Award. (1978). Delimitation of the Continental Shelf (the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v the French Republic)
3. ICSID. Phonex Action, Ltd V. Czech Republic

«ادعای استنکاف از عدالت زمانی قابل طرح است که دادگاه‌های ذیربط از قبول دعوا امتناع نمایند، بلاجهت اقدام به اطلاع دادرسی کرده یا عدالت را به صورت بسیار نامناسبی اجرا نمایند... نوع چهارم از استنکاف از عدالت هم وجود دارد، یعنی همان اجرای نامناسب قانون به صورت آشکار و همراه با سوءنیت».

این اصول در بسیاری از رسیدگی‌ها مورد توجه بوده‌اند، از جمله می‌توان به پرونده متال کلد علیه مکزیک اشاره کرد که در آن شهرداری از صدور جواز ساخت‌وساز امتناع نموده بود و مرجع داوری این اقدام را نقض ماده ۱۱۰۵ معاهده نفتا تلقی نموده و این‌گونه بیان داشته است که «درخواست مجوز در جلسه‌ای رد شده است که سرمایه‌گذار از آن مطلع نبوده، به آن دعوت نشده و در آن حضور نداشته است».

در پرونده لئون علیه ایالات متحده آمریکا نیز مرجع داوری با بررسی واقعیات پرونده و روند دادرسی اعلام داشت عملکرد دادگاه ملی موهن بوده و محاکمه صورت گرفته در می‌سی‌سی‌پی در راستای حمایت از خواننده نقص و نارسایی داشته است. طبق نظر دیوان محاکمه ملی در کل، حداقل‌های استانداردهای حقوق بین‌الملل را رعایت نموده است و با توجه به عدم رعایت تشریفات قانونی، بی‌عدالتی آشکاری بر خواننده تحمیل شده که در نهایت، به رسیدگی قضایی مناسب صدمه زده است. از این‌رو، دادرسی انجام شده در مجموع و حکم صادره نامناسب و بی‌اعتبار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

«اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» به عنوان منبع اصلی حقوق بین‌الملل که در ماده ۳۸(ج)(۱) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، بعد از معاهده و عرف به آن اشاره شده است، کارکرد مهمی در تمامی زمینه‌های حقوق بین‌الملل داشته است، اما در رویه داوری‌های بین‌المللی به دلیل گستردگی محاکم و تنوع موضوعات، بیشتر از آن‌ها استفاده شده است. «اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» به عنوان قانون حاکم بر دعوا در داوری‌های فراملی، همواره نقش مهمی ایفا نموده است؛ به گونه‌ای که در دعاوی مهم بین‌المللی، «اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» به عنوان قانون حاکم بر دعوا در نظر گرفته شده است. همچنین، «اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» همواره به عنوان بدنه اصلی سیستم حقوقی نقض محافظ و کنترل‌کننده هنجارهای درونی نظام حقوقی را به عهده داشته است، به گونه‌ای که تعدی از این اصول باعث بی‌اعتباری هنجارها یا اقدامات معارض با آن‌ها می‌شود. «اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» به این شیوه مانع از هرگونه سوءاستفاده از حقوق می‌شود.

بدنه اصلی سیستم حقوقی، که همان «اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» است، مخزنی تمام‌نشدنی را در اختیار نظام حقوقی برای ایجاد قواعد جدید قرار می‌دهد و با تفسیر قواعد



حقوقی موجود، پویایی نظام حقوقی را تضمین می‌کند، به گونه‌ای که نظام حقوقی هیچ‌گاه با خلاء حقوقی مواجه نمی‌شود.

«اصول کلی حقوقی شناخته‌شده در ملل متمدن» در کنار کارکردهایی که به آن‌ها اشاره شد، خود به عنوان یکی از قواعد اصلی حقوق بین‌الملل نیز همواره مورد استفاده بوده‌اند؛ قواعدی که پیشینه‌ای دیرینه در تمام نظام‌های حقوقی داشته‌اند. موارد متعدد از رسیدگی‌های بین‌المللی که به برخی از آن‌ها در این مقاله اشاره شده است، دلیلی است برای اثبات این ادعا.

منابع

- افتخار جهرمی. گودرز و شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۳). بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا. *حقوقی بین‌المللی*. (۳۰). ۵-۷۳.
- جنیدی. لعیا. (۱۳۹۰). نظریه حقوق فراملی بازرگانی. *مطالعات حقوق خصوصی*. ۴۱(۱). ۱۲۷-۱۴۸.
- ویوالی. میشل. (۱۳۶۴). تفکری بر تئوری حقوق فراملی. *حقوقی بین‌المللی*. ترجمه: ناصر صبح خیز. ۳(۳). ۸۹-۱۱۰.
- کاتوزیان. ناصر. (۱۳۸۵). *فلسفه حقوق (جلد دوم)*. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- محبی. محسن. (۱۳۹۰). *دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده «ماهیت، ساختار، عملکرد»*. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- موحد. محمد علی. (۱۳۸۶). *درس‌هایی از داوری‌های نفتی قانون حاکم*. تهران: کارنامه.
- Dordeska. M. (2019). *General Principles of Law Recognized by Civilized Nations: Method, Inductive-Empirical Analysis and (More) 'Scientific' Result. Pluralising International Legal Scholarship: The Promise and Perils of Non Doctrinal Research Methods Cheltenham, Edward Elgar Publishings*. 18-44.
- Goldman. B. (1987). *the Applicable Law: General Principles of Law - the Lex Mercatoria, in Contemporary Problems in International Arbitration*. London: *Nijhoff Publishers*.
- Kolb. R. (2006). *Principles as Sources of International Law (With Special Reference to Good Faith)*. *Netherlands International Law Review*. 53(1). 1-36
- آرا:
- آر. ان. پامروی و دیگران علیه ایران. (۱۳۹۲). در مجموعه *آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا: جلد چهارم (چاپ اول)*. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- اف. ام. سی. کورپوریشن علیه وزارت دفاع ملی و سایرین. (۱۳۹۳). در مجموعه *آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا: جلد هفتم (چاپ اول)*. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- امو کو اینترنشنال فایننس کورپوریشن علیه ایران، شرکت ملی نفت ایران و ... (۱۳۶۶). در مجموعه *آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا: جلد هشتم (چاپ اول)*. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- بنجامین آر. ایسایاه علیه بانک ملت. (۱۳۶۲). در مجموعه *آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا: جلد چهارم (چاپ اول)*. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- حکم شماره ۵۹۰- الف ۱۵ (چهار) الف ۲۴- هیئت عمومی. (۱۳۷۷). در مجموعه *آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا: جلد دوم (چاپ اول)*. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

- حکم شماره ۵۹۷- الف ۱۱ هیئت عمومی. (۱۳۷۹). در مجموعه آرای دیوان داورى ایران - ایالات متحده آمریکا. جلد دوم (چاپ اول). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- حکم شماره ۶۰۱- الف ۳ / الف ۸ / الف ۹ / الف ۱۴ ب ۶۱ هیئت عمومی (۱۳۸۸). در مجموعه آرای دیوان داورى ایران - ایالات متحده آمریکا. جلد سوم (چاپ اول). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- ریگواگتر ایکو ایمنت کامپنی علیه شرکت استارلاین. در مجموعه آرای دیوان داورى ایران - ایالات متحده آمریکا. جلد چهارم (چاپ اول). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- سی-لند سرویس اینکورپوریتد علیه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۳). در مجموعه آرای دیوان داورى ایران - ایالات متحده آمریکا. جلد پنجم (چاپ اول). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- موبیل اویل ایران اینکورپوریتد و سایرین (موسوم به کنسرسیوم) علیه ایران و شرکت ملی نفت ایران. (۱۳۹۳). در مجموعه آرای دیوان داورى ایران - ایالات متحده آمریکا. جلد هشتم (چاپ اول). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

- Arbitral Award (1941). Trail Smelter Case (USA v Canada).
- Arbitral Award. (1978). Delimitation of the Continental Shelf (the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v the French Republic).
- BP Exploration. (1979). Company (Libya) Limited v. The Government of the Libyan Arab Republic.
- ICSID. (1983). Amco Asian Corporation and Others V. Republic of Indonesia (Decision on Jurisdiction).
- ICSID. (2009). Phonex Action, Ltd V. Czech Republic.
- ICSID. (2008). Plama Consortium Limited v. Republic of Bulgaria.
- ICSID. (2006). Inceysa Vallisoletana, S.L. V. Republic of El Salvador.
- Libyan American Oil Company (LIAMCO). (1977). v. the Government of the Libyan Arab Republic.
- Petroleum Development. (1951). Ltd. v. Sheikh of Abu Dhabi. 181. L.R 144
- Texaco Overseas Petroleum Company and California Asiatic Oil Company. (1977) v. the Government of the Libyan Arab Republic.